

رامسین بیت جم<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۴

## چکیده

بروز بحران‌های منطقه‌ای و شکل‌گیری نوع جدید تروریسم در خاورمیانه و بدنبال آن سیل مهاجرت‌ها و پناهندگان به اتحادیه اروپا سبب شده تا نگاه کشورهای اروپایی به همکاری سیاسی-امنیتی با ایران به‌عنوان یکی از کشورهای باثبات و قدرتمند منطقه از اهمیت به‌سزایی برخوردار گردد. این مقاله نشان می‌دهد که استراتژی ضد تروریسم اتحادیه اروپا منجر به تقویت روابط منطقه‌ای این اتحادیه با ایران در منطقه خاورمیانه و ضرورت شکل‌گیری نوعی روابط جدید ژئوپلیتیک شده است. بحث اصلی مقاله این است که عدم برخورداری کشورهای اروپایی از ابزارهای عملی لازم در جهت هماهنگی و انسجام در مبارزه موثر با پدیده تروریسم به‌خصوص تروریسم تکفیری همچون داعش و القاعده، سبب شده تا اتحادیه اروپا با تمرکز بر سیاست «پیشگیری» از تهدیدات در منطقه به تقویت همکاری‌های منطقه‌ای به‌ویژه با ایران مانع از گسترش پدیده تروریسم از منطقه خاورمیانه به درون مرزهای خود در مناطق شرقی (شامات) و مناطق غربی (شمال آفریقا) شود. نویسنده نتیجه می‌گیرد که اعضای اتحادیه اروپا در روند اتخاذ راهبردهای ضد تروریستی، به‌تدریج تمایل بیشتری به افزایش سطح همکاری‌های خود با ایران در بخش‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و انرژی پیدا کرده‌اند.

واژگان کلیدی: استراتژی پیشگیری، تروریسم داعش، اتحادیه اروپا، سیاست خارجی.

## مقدمه

استراتژی ضد تروریسم اتحادیه اروپا چه تاثیری بر روابط منطقه‌ای آن با ایران دارد؟ بحث اصلی نویسنده این مقاله این است که نبود ابزارهای عملی لازم در زمینه مبارزه موثر با تروریسم به‌ویژه با تروریسم تکفیری همچون داعش و القاعده، سبب شده است تا اتحادیه اروپا با تکیه بیشتر بر تقویت روابط منطقه‌ای خود با ایران سعی در «پیشگیری» از گسترش تروریسم در منطقه خاورمیانه بزرگتر در غرب و شرق دریای مدیترانه به درون مرزهای اروپا را داشته باشد. در واقع، رویکرد فعالانه و عمل‌گرایانه ایران در مبارزه با تروریسم تکفیری در عراق و سوریه و همچنین بسط و تقویت دیپلماسی منطقه‌ای برای مبارزه با جلوگیری از گسترش جغرافیای تروریسم مثلاً به حوزه افغانستان و آسیای مرکزی و قفقاز موجب شده تا نگاه مثبتی از سوی اتحادیه اروپا مبتنی بر افزایش مناسبات و همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی با ایران صورت گیرد. تلاش‌های مثبت کشورهای اروپایی برای انعقاد قرارداد هسته‌ای ایران با قدرت‌های بزرگ (برجام) و اکنون سیاست جمعی آنها برای حفظ برجام هم‌راستا با نگرانی اروپا در قبال امکان بروز منازعه‌ای نوین بین ایران و آمریکا در این منطقه و ترس از گسترش بی‌ثباتی و در نتیجه موج نوین سرایت تروریسم به درون اروپا است. همچنین ضرورت حفظ ثبات و امنیت داخلی ایران در یک منطقه پرآشوب موجب شده است تا اتحادیه اروپا در حوزه‌هایی همچون انرژی و مسایل اقتصادی، رویکردهای نوینی را در مناسبات خود با ایران لحاظ نماید.

اکنون چالش‌هایی نظیر هجوم پناهندگان از سوریه و عراق به کشورهای اروپایی و نیز بازگشت جنگجویان تروریست اروپایی به کشورهای اروپایی موجب گردیده تا اتحادیه اروپا برنامه‌ریزی همه‌جانبه‌گرایانه‌ای را به‌منظور کنترل کارآمدتر این جمعیت پناهندگان و عواقب سیاسی - امنیتی و اقتصادی ناشی از برزو احتمالی اقدامات افراطی یا تروریستی این جنگجویان در بازگشت به اروپا انجام دهد. بر این مبنای آنچه که موجب همکاری نزدیک کشورهای اتحادیه اروپا با ایران می‌گردد، همانا وجود «تهدید مشترک» یعنی ضرورت مبارزه با تروریسم در منطقه است. سازماندهی این مقاله در سه فراز اصلی صورت پذیرفته است. در فراز نخست، سیر تحول و تکامل تروریسم و راه‌های مبارزه با آن در نگاه اروپایی به‌گونه‌ای اجمالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فراز دوم به شناسایی عواملی پرداخته می‌شود که موجب شده تا اتحادیه اروپا نقش فعال‌تری را در حوزه مقابله با

تروریسم عهده‌دار گردد. نهایتاً در فراز سوم، به عوامل موثر در همکاری مابین اروپا و ایران در رابطه با سیاست‌های مقابله با تروریسم پرداخته می‌شود.

## یک. سیر تحول و تکامل تروریسم و راه‌های مبارزه با آن در نگاه اروپایی

### ۱-۱. نگاه اروپا به موضوع تروریسم در بستر تاریخی

نگاه ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا به رشد گروه‌های افراطی از جمله گروه تروریستی داعش، همانند مبارزه با نمونه‌های تاریخی رشد گروه‌های افراطی ملی‌گرا و نژادپرست در این قاره، همچون «نازیسم و فاشیسم»، بوده است. در سالیان اخیر، حفظ «امنیت گسترده» در حوزه غرب (شمال آفریقا و منطقه ساحل) و شرق مدیترانه (خاورمیانه و شامات) حایز اهمیت بیشتری شده است. (اکنون از نگاه کشورهای اروپایی، تروریسم (سلفی - داعش) پدیده‌ای است که غالباً به‌منظور نیل به اهدافی خاص با توجیهات افراطی مذهبی به وقوع می‌پیوندد.) اهدافی که غالباً در این عرصه مورد تمرکز گروه‌های تروریستی واقع می‌گردند مبتنی بر تلاش در جهت واژگونی و تغییر رژیم‌های حاکم، پایان بخشیدن به حضور نیروهای خارجی، همراه با توجیه مبارزه در راه پایان بخشیدن بر استیلای فرهنگی غرب است. نمونه‌های بارز آن را هم می‌توان در منطقه قفقاز و آسیای غربی همچون موارد نمود یافته در چین و داغستان، در استان سین کیانگ جمهوری خلق چین و نیز به‌صورت خشن‌تر آن در پاکستان، افغانستان، عراق، سوریه، مصر، لیبی، الجزایر، نیجریه، موریتانی و مالی، مشاهده کرد.

گسترش یک ایدئولوژی خاص به‌منظور توجیه نوعی مقاومت فرهنگی و مذهبی در برابر جوامع پذیرنده غربی و ایجاد عصبیت در میان جوامع جوان حاشیه‌نشین در کشورهای اتحادیه اروپا، به‌ویژه در فرانسه و بلژیک، بیشتر در راستای اعمال خشونت‌آمیز افراطی جهت دست یافتن به آرمانی است که ثمرات مخرب آن را در طی سالیان اخیر در وقایع سوریه، عراق و لیبی شاهد بوده‌ایم. همچنین وقایع خطیر تروریستی که در کشورهای دارای سابقه مستعمراتی واقع در غرب اتحادیه اروپا به‌ویژه در کشورهای همچون فرانسه، آلمان، بلژیک، هلند و بریتانیا به وقوع پیوسته‌اند. علیرغم آنکه گاهی گروه‌های تروریستی به‌منظور تامین منابع مالی لازم جهت پیشبرد فعالیت‌های خود اقدام به ارتکاب جرایم سازمان‌یافته شناخته شده دیگری از جمله تولید و ترانزیت مواد مخدر (همچون نمونه

افغانی و کلمبیایی آن)، به همراه قاچاق اسلحه، پول شویی، قاچاق انسان و برده‌داری جنسی روی می‌آوردند؛ اما باید در نظر داشت که آنها اساساً با سازمان‌های مافیایی که در این جرایم فعالیت می‌نمایند متفاوت می‌باشند.

مسئله مورد مناقشه دیگر در مورد پدیده تروریسم در نگاه اروپایی که ریشه تاریخی هم دارد این است که آیا عمل یک فرد را نیز می‌توان تروریسم نامید؟ یا لزوماً تروریسم باید ناشی از عمل هماهنگ و اعتقادی گروهی باشد؟ اگرچه رویه‌های متعددی در زمینه تروریستی نامیدن اقدام یک فرد نیز وجود دارد و از لحاظ امنیتی نیز بهتر است صرفاً به اقدامات گروه‌های سازمان‌یافته عقیدتی لفظ تروریستی اطلاق گردد. از سوی دیگر مطلوب‌تر خواهد بود چنانچه این واژه به اقدامات گروهی اطلاق گردد که دارای خصلت عملیاتی پایدارتری می‌باشند. آنچه که در بستر تاریخ معاصر جهان جامعه بین‌المللی را بیش‌ازپیش متوجه مسئله حساسیت‌برانگیز تروریسم نمود، ترور بارتو و آلکساندر اول<sup>۱</sup> در ۱۹۳۷، می‌باشد. به‌دنبال این عمل دولتهای فرانسه و یوگسلاوی رسماً از جامعه ملل درخواست نمودند تا ضمن بررسی موضوع تروریسم راهکارهای عملی را به‌منظور مقابله با این پدیده اتخاذ نمایند. نتیجه فعالیت سه‌ساله شورا و مجمع عمومی تهیه پیش‌نویس دو کنوانسیون بود که در شانزدهم دسامبر ۱۹۳۷ در جریان یک کنفرانس بین‌المللی به امضای نمایندگان نزدیک به ۳۰ دولت رسید. این دو کنوانسیون یکی «کنوانسیون پیشگیری و مجازات تروریسم» و دیگری «کنوانسیون راجع به تاسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی» برای محاکمه جرایم تروریستی بود (Snyder, 1969).

## ۱-۲. تروریسم و امنیت بشری در نگاه اروپایی

در نگاه اروپایی، ریشه تروریسم به مسئله «امنیت بشری» و عدم حکمرانی خوب، فقر و شیوع جنگ‌ها در منطقه ارتباط دارد. اتحادیه اروپا بر این نکته تأکید دارد که امروزه تروریسم به‌مثابه یکی از بزرگترین چالش‌های امنیتی نه تنها در برابر اتحادیه اروپا بلکه در برابر تمامی جهان، قد علم کرده است. بخش عمده‌ای از اسناد راهبردی اتحادیه اروپا مرتبط با مسایل امنیتی، اختصاص به چالش‌های برآمده از جنگ‌های ناموزون از سوی کنشگران غیردولتی دارد؛ همچون

1. Baretto and Alexander the First.

گروه‌های جهادی<sup>۱</sup> که سرچشمه الهام‌بخش آنها اسلام تندرو سلفی است که ثمرات آن چیزی غیر از خشونت‌های تروریستی در قاره اروپا و فجایع انسانی به بار نشسته در عراق، سوریه، داغستان و دیگر نقاط جهان نبوده است. در راستای مبارزه با این پدیده بایستی هم در ابعاد داخلی و هم در ابعاد بین‌المللی باشد. بعد نخست را می‌بایست در سطح جمع‌آوری اطلاعات ضروری پیگیری و در هنگام ضرورت با توجه به اطلاعات به دست آمده اقدام به سرکوب اینگونه اقدامات نمود. لیکن در زمینه مبارزه با پدیده تروریسم باید دشواری‌های عمیق‌تر دیگری را نیز مورد عنایت قرار داد از جمله برنامه‌ریزی هر چه منسجم‌تر و موثرتر در زمینه پیشبرد روند جذب جوامع مهاجر در کشور پذیرنده (Rumelili, 2004: 30).

در این راستا، همچنین می‌توان به سخنرانی فدريکا موگرینی، نماینده اتحادیه اروپا در امور مرتبط با سیاست خارجی و امنیت که در اول دسامبر ۲۰۱۷ در چارچوب مراسم گشایش «گفتگوهای امنیت حوزه مدیترانه» تحت عنوان «MED 2017» در رم اشاره نمود. موگرینی در نشست مذکور اظهار می‌دارد که: «در جهان بحران‌زده کنونی، مردم بیش‌ازپیش به اتحادیه اروپا به‌عنوان شریکی بالقوه، می‌نگرند. نقطه قوت اتحادیه اروپا، همانا قابل‌اعتماد بودن آن می‌باشد یعنی مهم‌ترین دست‌آوردی که یک قدرت جهانی می‌تواند به جامعه بین‌المللی ارزانی دارد. اتحادیه اروپا پیشرفته‌ترین منطقه جهان از نظر اقتصادی و تجاری محسوب می‌گردد و هم‌زمان یکی از بزرگ‌ترین تامین‌کنندگان کمک‌های انسان‌دوستانه در راستای تحقق توسعه پایدار بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای قاره آفریقا است. این اتحادیه، همچنین در حال تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین تامین‌کنندگان امنیت در سطح جهان، می‌باشد. تبلور واقعی اقدامات اتحادیه اروپا را می‌توان در رابطه با سه موضوع به‌خوبی مشاهده نمود: «دیپلماسی»، «پیشگیری از جنگ‌ها» و «مدیریت نبردها». اتحادیه اروپا همواره به‌عنوان یک قدرت نرم<sup>۲</sup> (قدرتمندترین قدرت نرم جهان) مورد توجه قرار گرفته است و در دوران اخیر در حال کسب نقش مرکزی در تضمین امنیت بین‌الملل می‌باشد. به‌منظور ارایه تاییدی بر این مدعا، می‌توان به اقدامات گسترده اتحادیه اروپا در قاره آفریقا اشاره کرد که از ورای اعزام نیروهای غیرنظامی و نظامی اروپایی، در حال ارایه آموزش لازم در زمینه‌های

1. Jihadi Groups.  
2. Soft Power.

مرتبط با امداد، همیاری و آموزش، به بیش از ۳۰ هزار تن از مسئولین کشورهای آفریقایی است؛ می‌باشد. از سوی دیگر اتحادیه اروپا همکاری‌های مودت‌آمیز گسترده‌ای را در رابطه با اجرایی نمودن اصلاحات مهم در نظام‌های قضایی و امنیتی این کشورها، صورت داده است. تمرکز اصلی در زمینه فوق کماکان بر اعمال موازین مبتنی بر قدرت نرم بر حول محوریت افراد غیرنظامی، تحقق می‌یابد) (Intervention of Federica Mogherini, December 2017).

موگرینی ادامه می‌دهد که جشن‌های مربوط به بزرگداشت شصتمین سالگرد امضای پیمان‌نامه‌های رم<sup>۳</sup> که یک سال پیش شاهد برگزاری آنها بوده‌ایم به‌مثابه نقطه عطفی جهت اتحادیه اروپا، محسوب می‌گردند. کشورهای عضو این اتحادیه به‌خوبی درک نموده‌اند که در صورت فروپاشیدن این اتحادیه چه آینده‌ای می‌تواند در انتظار آنان و جهان باشد. این مسئله کاملاً روشن است که در نبود چنین تفاهمی نه‌تنها صلح بلکه ابتکار عمل‌های مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز میان جوامع گوناگون از ورای پرهیز از دست یازیدن به اعمال خشونت‌آمیز، می‌توانست دچار تنگنای بسیار گردد. در این راستا اقدامات عملی بسیاری در حال اجرا است؛ از جمله ابتکار عمل شورای اروپا<sup>۴</sup>، که در ماه دسامبر سال ۲۰۱۷، به‌دنبال سیاست دفاع دسته‌جمعی / مشترک (PESD)، بوده است. به‌موازات اجرایی شدن ابتکار عمل شورای اروپا، اقدامات مقتضی به‌گونه‌ای پیگیری خواهند شد تا همکاری‌های دوسویه در امور مرتبط با امنیت دسته‌جمعی و مبارزه با اقدامات تروریستی میان اتحادیه اروپا و ناتو<sup>۵</sup>، جنبه اجرایی و عملیاتی به خود گیرند. این مقوله بحث بسیاری را برانگیخته است، از این‌رو لازم است تا هم‌زمان همکاری‌های امنیتی، تبادل اطلاعات و هماهنگی اقدامات عملیاتی میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز افزایش یابند. همکاری میان ناتو و اتحادیه اروپا را می‌بایست از زاویه دیگری نیز نگریست چه آنکه با توجه به اینکه ناتو بنا بر ساختار تشکیلاتی‌اش که منبعث از قدرت سخت<sup>۶</sup>، است، نمی‌تواند در کشورهای خارج از پیمان دفاعی آتلانتیک شمالی (به‌عنوان مثال آفریقا با توجه به مشکلات عدیده اقتصادی و فساد مالی بستر مناسبی را برای رشد افراط‌گرایی و تروریست فراهم کرده و ناتو نمی‌تواند در آن حضور داشته باشد).

3. Rome Treaties.
4. European Council.
5. NATO.
6. Hard Power.

از این رو اتحادیه اروپا با بکارگیری قدرت نرم می‌تواند از ورای ارایه کمک‌های انسان دوستانه و همکاری در جهت توسعه و پیشرفت و در مجموع بهبود شرایط زیست آن نیز به وسیله اعزام افراد غیرنظامی کارآموده، ضمن محو نمودن زمینه‌های پدید آمدن گروه‌های خشونت‌طلب، این جوامع را در راه رسیدن به ترقی و پیشرفت یاری کند و سد سترگی را در برابر اشاعه و رشد عوامل منبث از اقدامات خشونت‌آمیز که در نهایت منجر به جذب برخی از اعضای این جوامع توسعه‌نیافته به گروه‌های تروریستی و تبهکار می‌شود، ممانعت به عمل آورد.

اولویت اتحادیه اروپا در رابطه با موضوع امنیت که تا به امروز بر اثر موج مهاجرت‌های غیرقانونی عمدتاً از طریق دریای مدیترانه و کشورهای آفریقای شمالی و شرقی (کشورهای ساحل)، صورت می‌پذیرد نشأت گرفته از مشکلات عدم توسعه و نبود امنیت و امید به آینده در قاره آفریقا می‌باشد. روی سخن به‌ویژه متوجه مهاجرینی است که از منطقه ساحل شامل کشورهای سومالی، اریتره، سودان غیره... در جستجوی آینده‌ای بهتر رو به سوی اروپا می‌آورند. در یک چنین صحنه‌ای و به‌منظور جستجو و اعمال راه‌کاری قابل اعتماد می‌بایستی تمرکز اصلی بر آموزش نیروهای کارآمد در کشورهای مبدا باشد تا بدین‌وسیله بتوان آینده‌ای قابل اتکا برای نسل جوان ساکن این مناطق و آینده‌ای بهتر را فراهم آورد تا بدین‌وسیله از جذب شدن افراد سرخورده به گروه‌های تروریستی، قاچاقچیان انسان، قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر و گروه‌های متخاصم... جلوگیری شود؛ و در راستای فایق آمدن بر معضل تغییرات جوی نیز که منجر به خشکسالی و در نتیجه کوچ اجباری جوامع مختلف بشری گشته، چاره‌ای اساسی اندیشیده شود.

سخن از همان گروه‌های مهاجری می‌باشد که در صورت عدم جذب مناسب در جوامع پذیرنده ضمن داشتن زندگانی حاشیه‌ای نهایتاً جذب شبکه‌های تبهکار می‌شوند تا در چرخه‌ای معیوب معضلات هر چه بیشتری را برای کشور پذیرنده و دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نهایتاً دیگر کشورهای جهان، فراهم آورند. (ترجمه صورت پذیرفته از سوی نگارنده این مقاله در رابطه با سخنرانی فدریکا موگرینی در اجلاس MED 2017). همچنین اتحادیه اروپا به‌طور سنتی نقش انسان دوستانه‌ای را در قبال بحران خاورمیانه به‌ویژه در قبال بحران سوریه و مهاجرین سوریه، ایفا نموده است. با توجه به اینکه تخصصات در سوریه هنوز به پایان نرسیده‌اند، تمرکز اصلی اتحادیه اروپا بر شهروندان سوریه و برخورداری ایشان از حیات و بقا، دسترسی به کمک‌های پزشکی، آموزشی و

غیره بوده است. در این رابطه لازم است تا کمک‌های اقتصادی به‌وسیله سازمان ملل متحد هماهنگ و توزیع گردند؛ تا سوریه را آماده صلح سازند، به‌ویژه در رابطه با پناهندگان، بازسازی شهرها و ارائه خدمات لازم به شهروندان در اولویت تام قرار دارد. این اقدامات در مکان‌هایی شکل خواهند گرفت که درگیری‌های نظامی در آنها به اتمام رسیده‌اند؛ به‌ویژه در نقاطی که آتش‌بس رعایت می‌شود و در مجموع در بخش‌هایی که «نبرد زدایی»<sup>۱</sup> اجرایی شده است.

لذا این اقدامات در برخی از مناطق مذکور، موفقیت‌آمیز بوده‌اند و در برخی مناطق دیگر، خیر. در نشست آستانه (ایران - روسیه - ترکیه)، قرار شده تا تلاش بیشتری را در راستای کاهش نبردها و خشونت‌ها به کار بسته شود. در این رابطه تمامی ابتکار عمل‌ها را باید به کار بست از جمله مذاکرات ظریف و لاورف در سوچی<sup>۲</sup>، لیکن نقطه تلاقی نهایی تمامی این ابتکار عمل‌ها ژنو<sup>۳</sup> و مقر سازمان ملل متحد باید باشد، چه آنکه مشروعیت بخش تمامی اقدامات ناظر بر پایان تخصیصات، حفظ ثبات و شروع مرحله بازسازی منوط به تایید سازمان ملل متحد خواهد بود. اتحادیه اروپا به‌منظور حفظ روند مثبت همکاری‌های دوسویه خود با ایران تلاش بسیاری را به عمل آورده است تا بتواند دست‌آوردهای مبتنی بر توافقنامه هسته‌ای «برجام» را علیرغم خروج ایالات‌متحده آمریکا، از آن و اعمال تحریم‌های نوین بر علیه ایران را حفظ نماید چه آنکه از دید اتحادیه اروپا توافق حاصل آمده با ایران دربرگیرنده یکی از عمده‌ترین مسایل مرتبط با امنیت اتحادیه اروپا، محسوب می‌گردد. پیام ارسالی از سوی اتحادیه اروپا به ترامپ و در مجموع به ایالات‌متحده آمریکا، دربرگیرنده این نکته بوده است که حفظ و اجرای دقیق توافقنامه هسته‌ای، اولویت اصلی تمامی ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا، می‌باشد. از دیدگاه اروپا، این توافقنامه حاصل یک دوره طولانی و فشرده شامل مذاکرات و نظارت‌های آژانس انرژی اتمی بوده است، لذا بازنگری حتی بخش کوچکی از آن نیز غیرقابل تصور می‌باشد. پیام اتحادیه اروپا به رییس‌جمهور ترامپ و رییس‌جمهور روحانی شامل تاکید دگرباره‌ای بر لزوم احترام به مفاد این توافقنامه بین‌المللی از سوی تمامی کشورهای امضاکننده آن، بوده است. این توافقنامه موردعناایت جامعه بین‌المللی است چه آنکه قطعنامه شورای امنیت تضمین‌کننده آن بوده و نیز تعداد ۹ گزارش آژانس انرژی هسته‌ای دال بر تایید حسن اجرای این

1. De-escalation.
2. Suchi.
3. Geneve.



توافقنامه بوده‌اند، از این رو نمی‌تواند در پی تصمیم تنها یک کشور بی‌اعتبار گردد. این توافقنامه می‌تواند نقطه آغازین همکاری‌های عمده دیگری در رابطه با موضوعات موردعلاقه طرفین محسوب گردد. از ورای یکچنین سکوی پرتابی می‌توان شاهد گسترش صلح، ثبات و آرامش در منطقه و در جهان، بود، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه که نیازمند توسعه یک چارچوب امنیتی است تا بدین‌وسیله تضمینی لازم را به‌منظور صیانت از صلحی مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز میان کشورهای این منطقه، فراهم سازد (Ibid, 2017).

### ۱-۳. تجربه ایتالیا در مبارزه با تروریسم

در همین راستا، نگاهی به تجربه تاریخ معاصر ایتالیا در مبارزه با تروریسم خانگی، به فهم بیشتر نگاه اروپایی کمک می‌کند. ایتالیا، در سال‌های دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، درگیر نبردی درازمدت با تروریسم داخلی بود که نهایتاً از ورای توجه خاص به ابزار قانونی در چارچوب نظام ناظر بر صیانت از دموکراسی، پیروزمندانه از آن خارج گردید. جنبش‌های کوچک تروریستی حال حاضر ایتالیا که هر از چندی شاهد بروز آنها می‌باشیم، شاخصه‌ای کمتر خطرناک و مبتنی بر یک نظام تشکیلاتی منسجم در مقایسه با گذشته دارد. در این برهه زمانی نیز باید با دست یازیدن به همان روش کاری که در قبل موفقیت‌آمیز بود باید به مبارزه با این پدیده نوین پردازیم. البته تاکید اصلی در این رابطه، باید پرهیز از زیاده‌روی در اعمال اقدامات احتیاطی و به‌ویژه بی‌ثمر و همچنین پرهیز از بهره‌برداری‌های ابزاری سیاسی چه در سطح جناح‌بندی‌های حزبی داخلی ایتالیا و یا موضع‌گیری‌های بین‌المللی، باشد (مصاحبه اختصاصی نویسنده مقاله با سفیر ایتالیا در تهران جناب آقای مائورو کونچاتوری<sup>۱</sup>، در مورخ ۲۲ ژوئن ۲۰۱۸).

تمامی مراحل ناظر بر بی‌ثباتی مزمن سیاسی به همراه از دست رفتن کنترل بر قلمرو کشوری از سوی کنشگران دولتی، به سود تقویت شبکه‌های قدرت‌های غیررسمی و تبهکاری، تمام می‌شود که می‌توانند در این قلمروها آزادانه‌تر، فعالیت نمایند. همانگونه که در دهه ۹۰ میلادی در جریان درگیری‌های بالکان رخ داد و مسیرهای نوین قاچاق غیرقانونی انسان را پدید آورد. در حال حاضر نیز به نظر می‌رسد که روند منفی مذکور بر اثر رشد روند ثبات‌سازی در کشورهای این منطقه، رو به پایان نهاده است. البته باید با تاسف اذعان داشت که گروه‌های تبهکار که همواره مدیریت شیوه‌های

1. H.E.Mauro Conciatori.

گونگون قاچاق غیرقانونی از جمله قاچاق انسان را به‌عهده داشته‌اند موقعیت‌های دیگری را در مناطق دیگر جهان مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند که درگیر معضلاتی همچون عدم وجود اقتدار دولت مرکزی و رشد بحران‌های ژئوپلیتیک می‌باشند، همچون مورد مشابه مهاجرت غیرقانونی از شمال آفریقا و آسیای غربی به‌سوی قاره اروپا که در غالب موارد توسط شبکه‌های تروریستی صورت می‌گیرد، می‌تواند موجبات پیدایش موج نوینی از «جنگجویان خارجی»<sup>۱</sup> گردند.

این نکته را هم نباید فراموش کرد که اتحادیه اروپا، خود نتیجه پروژه ژئوپلیتیکی است که با هدف جلوگیری از بروز جنگ‌های نوین در آن صورت تحقق گرفته است. که در نوع خود این جنگ‌ها به‌مثابه بزرگترین تراژدی بشریت تلقی می‌گردند. جنگ‌ها همواره در طول تاریخ والاترین ارزش‌های انسانی را از نقطه‌نظر عمق فجایع و گستردگی ابعاد تخریب ناشی از آنها، گرفتار کرده است. مهاجرت‌های گسترده گروه‌های انسانی که یکی از هزاران بلیه ناشی از جنگ‌ها می‌باشند. مطمئناً سخن از وضعیتی رقت‌انگیز است، لیکن با توجه به ژرفای حقیقی فاجعه، مهمترین آنها محسوب نمی‌گردد.

در کوتاه‌سخن، اروپا مخالف جنگ است زیرا موجب کشته شدن ابنا بشر می‌گردد و حاصلی جز نابودی دست آوردهای بشری، ایجاد بی‌ثباتی و عقب‌ماندگی نخواهد داشت هم از این‌روی است که اتحادیه اروپا در سالیان اخیر راهبردی مبتنی بر تمرکز بر تنها راه برون‌رفت و پرهیز از یک چنین بلیه‌ای مد نظر قرار داده است و اینکار از ورای بسط و تعمیق همکاری‌های منطقه به‌ویژه با کنشگران باثبات و اصلی منطقه آسیای غربی همچون ایران می‌توان سد سترگی در برابر توسعه و نفوذ فعالیت‌های خرابکارانه از جانب گروه‌های تروریستی باشد و با بهره‌جستن از یک‌چنین همکاری دوسویه‌ای می‌توان از تبادل اطلاعات در راستای مبارزه با هسته‌های تروریستی تشکیل‌گرفته از عناصر تندرو اسلامی عضو گروه‌های تکفیری و سلفی ساکن و یا شهروند کشورهای اتحادیه اروپا، به نحو بس مطلوبی بهره برد.

لازم به یادآوری است که در حال حاضر در اروپا میزان خودآگاهی نسبت به خطرات مرتبط با پدیده تروریسم و پیچیدگی چالش‌های برآمده از آن بسیار افزایش یافته است. حتی اینگونه به نظر می‌آید که در رابطه با اقدامات پیشگیرانه به‌منظور مقابله با این پدیده، شاهد اعمال روندی

1. Foreign Fighters.

دقیقتر، منسجم‌تر و متمرکزتر هستیم. ایتالیا در مجموعه خود در چارچوب همین موضوع و کاربست تغییرات به کار رفته ناشی از آن با بهره جویی از تجربه تاریخی پیشین خود تلاش دارد با به کار بستن ابتکار عمل‌های عمیق فرهنگی و اجتماعی کاملاً متضاد با فلسفه و دیدگاه و نوع نگرش گروه‌های تروریستی در مورد به واقعیت‌های جهان و از این تحریف‌ها برای کاهش نیروی محرکه عناصری که به ایشان می‌پیوندند بهره می‌جویند، یناير این تلاش دارند اقدامات مقتضی را اجرایی و متعهدانه پیگیری نمایند. در واقع سخن از روندی است که می‌بایست با احساس تعهد در درازمدت و پیگیرانه تحقق یابد. لیکن باید به یادداشت که زمین‌بازی موردنظر که نهایتاً پیروزمند یا شکست‌خورده خارج خواهیم گردید، زمینی مبتنی بر تلاش وافر در راستای گسترش و بسط ابتکار عمل‌های فرهنگی و اجتماعی در رابطه با گروه‌های اجتماعی حاشیه‌ای است که در کشورهای گوناگون اروپایی زندگی می‌نمایند. به عبارتی ابتکارهایش که نهایتاً شاهد هم‌گرایی و جذب این طبقات به گونه‌ای منسجم در جامعه کشور پذیرنده گردیم. دگرباره تاکید می‌نمایم که درنهایت از این بازی یا پیروز یا شکست‌خورده خارج خواهیم گردیم (Ibid, 2018).

## دو. عوامل تاثیرگذار در نقش فعال اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم

### ۱-۲. حوادث یازدهم سپتامبر و همکاری اروپا با آمریکا

همکاری اتحادیه اروپا با ایالات متحده آمریکا، جزء اساسی‌ترین ارکان راهبرد ضد تروریسم این اتحادیه، محسوب می‌گردد. در پی وقوع حملات تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ که به تعبیری به‌عنوان تأثیرگذارترین حادثه تروریستی و نقطه عطفی در روابط بین‌الملل مطرح گردیده است، مقوله تروریسم به یکی از مهمترین دستور کارهای امنیتی تبدیل شده است. اقدامات تروریستی پس از یازدهم سپتامبر موجب شد تا دکترین جنگ علیه تروریسم و مبارزه با تسلیحات کشتارجمعی توسط نومحافظه‌کاران تدوین گردد. اتحادیه اروپا هم راهبرد مقابله با تسلیحات کشتارجمعی را به تصویب سران اتحادیه رساند. این امر سبب گردید تا قدرت‌های بزرگ به ائتلاف ضد تروریسم بپیوندند.

در طی سالیان اخیر توافقات بسیاری ناظر بر همکاری در بخش‌هایی همچون مبارزه با تامین مالی فعالیت‌های تروریستی، نقل و انتقالات و نظارت بر مرزها، معاضدت‌های قضایی دوسویه و

همچنین در زمینه استرداد مجرمین، تحقق یافته است. مقام‌های کشورهای گوناگون به گونه‌ای رو به فزون و بسیار نزدیک با «پلیس اروپا»<sup>۱</sup> و نهاد «قضایی اروپا»<sup>۲</sup>، همکاری می‌ورزند؛ بنابراین مقولات و مسایل مهمی همچون تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی و سایر موضوعات مهم جهانی به گونه فزاینده‌ای در دستور کار اتحادیه اروپا و حجم قابل توجهی از ظرفیت سیاست خارجی آنها به این موضوعات اختصاص یافته است. از این رو این کنشگر مهم و صاحب نفوذ در نظام جهانی، ناگزیر از اتخاذ دیپلماسی فعال در قبال موضوعات و مسایل مهم جهانی می‌باشد. اتخاذ این دیپلماسی به‌طور طبیعی این اتحادیه را نسبت به مسایل فوق صاحب موضع و منفعت می‌نماید (بیت جم، ۱۳۹۵).

لازم به یادآوری است که حتی پیش از وقایع یازدهم سپتامبر، رومانو پرودی، نخست‌وزیر پیشین ایتالیا و رییس وقت کمیسیون اروپا و جرج بوش، رییس‌جمهور پیشین آمریکا، مبارزه با تروریسم را به‌عنوان یکی از پنج موضوع داری اولویت برای همکاری میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، برشمرده بودند. حال آنکه در پی به‌وقوع پیوستن واقعه تروریستی یازدهم سپتامبر، این مسئله تبدیل به مهمترین اولویت در عرصه همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورها و جوامع گردیده است (خیبری، ۱۳۸۵).

علی‌رغم آنکه دو سوی آتلانتیک دارای اتفاق نظر پیرامون اقدام علیه پدیده تروریسم جهانی می‌باشند لیکن به دلیل برخورداری از منافی گاه متضاد شاهد تعارض در دیدگاه‌های دو طرف هستیم. این تعارض به‌ویژه در قبال نحوه گسترش همکاری‌ها با کشورهای دارای اقتدار و نفوذی همچون ایران که در یک حوزه جغرافیایی خاص همچون خاورمیانه نمود بیشتری می‌یابد؛ زیرا خاستگاه عناصر تروریستی اسلام‌گرای تندروی سلفی تلقی می‌شود. هماهنگ‌سازی و قوام بخشی به اینگونه تعاملات به‌ویژه با کشور بزرگ و پرنفوذی همچون ایران در راستای بهره‌مندی از قدرت راهبردی، نفوذ و شناخت تاریخی این کشور نسبت به این عناصر جهت سرکوب این شبکه‌های تروریستی و ممانعت از مهاجرت و یا احیانا بازگشت عناصر این گروه‌ها که تحت نام «جنگجویان خارجی»<sup>۳</sup> شناخته می‌شوند، به کشورهای مبدا یعنی به بخش عمده‌ای از کشورهای اروپای غربی،

1. Europol.
2. Eurojust.
3. Foreign Fighters.

از اولویت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

در بازه زمانی ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۳، در کشورهای عضو اتحادیه اروپا بیش از هزار مورد حملات تروریستی شکست‌خورده، لو رفته و یا به هدف نشست، صورت پذیرفته‌اند که موجب قربانی شدن بیش از ۴۰ تن، گردیده‌اند. همچنین، بسیاری از شهروندان اروپایی از سوی گروه‌های تروریستی در سطح جهان، ربوده و یا به قتل رسیده‌اند. از این رو اتحادیه اروپا، تاکید ویژه‌ای بر این نکته دارد که کشورهای عضو این اتحادیه به صورت خاص و دیگر کشورهای جهان به طور عام، باید در طی سال‌های آتی حساب ویژه‌ای را بر روی مبارزه با گسترش فعالیت‌های جنگجویان اروپایی که از کشورهای گوناگون قاره اروپا با هدف شرکت جستن در عملیات جهادی عازم کشورهایی همچون سوریه، عراق، لیبی، موریتانی، مالی، نیجریه و غیره می‌گردند، باز کنند- آنها به این حقیقت توجه دارند که این جنگجویان «جهادی»<sup>۱</sup> اروپایی - پس از چندی عمدتاً قصد بازگشت به کشور اروپایی زادگاه خویش دارند و توشه همراه این عناصر چیزی نیست مگر تهدیدات بالقوه تروریستی و امنیتی که می‌توانند حیات روزانه کشورهای اروپایی را دچار تهدیدات بس جدی نمایند (برزگر، ۱۳۹۶).

## ۲-۲. تکامل راهبرد اروپایی در مبارزه با تروریسم

راهبرد اتحادیه اروپا مبتنی بر ابتکار عمل پیگیری شده است که از سوی شورای اتحادیه اروپا E.U.C.<sup>۲</sup>، می‌باشد که منجر به تاسیس «گروه ویژه مبارزه با تروریسم A.G.»<sup>۳</sup>، شده است، هدف گروه مبارزه منسجم، هماهنگ و هدفمند با تروریسم در ابعاد جهانی آن، با نظر داشت تمامی موازین شناخته شده اتحادیه اروپا است که بر احترام به حقوق انسانها، تضمین آزادی‌های ایشان و صیانت از امنیت و عدالت شهروندان اروپایی تکیه دارد و ۷۰ سال شاهد صلح متداوم در این قاره بوده‌اند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا با یکدیگر هم‌نوا گردیده‌اند تا مشترکاً به مبارزه با تروریسم بپردازند و بدین وسیله به بهترین وجه ممکنه از شهروندان خویش حفاظت نمایند. لازم به ذکر است که شورای اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۰۵ راهبرد مبارزه با تروریسم را ترسیم نمود.

راهبرد عنوان شده بر چهار محور اصلی، استوار گردیده است که گروه مبارزه با تروریسم A.T.G. با تکیه بر آن ابتکار عمل‌ها و اقدامات عملیاتی لازم را در سطح نهادهای نظامی و امنیتی منطقه‌ای

1. Jihadis.
2. European Union Council.
3. Antiterrorism Group.

همچون NATO (به عنوان شریک سنتی اتحادیه اروپا) و نهادهای بین‌المللی و نیز دیگر کنشگران فرامنطقه‌ای به گونه‌ای به عهده دارند. چهار محوری که به آن اشاره شد عبارتند از: پیشگیری (pre-vention)، حفاظت (protection)، ردگیری (persecution) و پاسخ (response). لازم به یادآوری است که راهبرد مبارزه با تروریسم مبتنی بر هماهنگی میان نهادهای ذیصلاح در چارچوب نظارتی گروه مبارزه با تروریسم A.T.G هم‌زمان اهمیت ویژه‌ای را به امر توسعه و تعمیق همکاری‌های چندبعدی با کشورهای فرامنطقه‌ای غیر اروپایی به‌ویژه در حوزه مدیترانه و خاورمیانه و نیز با نهادهای بین‌المللی داشته است.

امنیت اتحادیه اروپا عمیقاً به توسعه اینگونه همکاری‌ها و هماهنگی با دیگر کشورها، به‌ویژه با کشورهای نزدیک به قاره اروپا وابسته می‌باشد. از این‌رو، راهبرد ضد تروریسم اتحادیه اروپا می‌بایست در سطح جهانی، اعمال و پیگیری گردد. شورای اتحادیه اروپا، در تعاملات راهبردی ناظر بر عدالت و امور داخلی، متخذ در ژوئن ۲۰۱۴، خواهان آن است که سیاست ضد تروریستی موثر دربرگیرنده موارد ناظر بر امنیت داخلی و خارجی مورد توجه بیشتری قرار گیرد. در دوازدهم فوریه ۲۰۱۵، سران کشورها و دول عضو اتحادیه اروپا، در نشست ویژه خویش، بر اهمیت تقویت و توسعه گفتمان با کشورهای ثالث در رابطه با موارد ناظر بر امور امنیتی و مبارزه با تروریسم، تاکید ورزیده‌اند.

برنامه کاری ناظر بر مبارزه با تروریسم در ابعاد گوناگون آن دربرگیرنده چگونگی تنظیم روابط میان اتحادیه اروپا و کشورهای ثالث، از طریق بسط گفتمان سیاسی در سطح عالی است زیرا، اتخاذ توافقات و پیمان‌نامه‌های مشترک ناظر بر گسترش همکاری‌ها و بکارگیری طرح‌های حمایتی مشخص در زمینه توسعه توانایی‌ها با کشورهای دارای اهمیت راهبردی (استراتژیک)، است. هم‌اینک اتحادیه اروپا از طریق گروه مبارزه با تروریسم A.G. در زمینه مبارزه با تروریسم با کشورهای حوزه بالکان باختری، کشورهای حوزه آفریقای شمالی و ساحل، کشورهای حوزه خاورمیانه، حوزه شاخ آفریقا، حوزه آمریکای شمالی و کشورهای آسیایی، در حال رایزنی و همکاری عملیاتی است.

جنبه مهم دیگر مرتبط با ابعاد خارجی مبارزه برعلیه تروریسم شامل همکاری نزدیک با دیگر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای با هدف پدیدآوری اجماع بین‌المللی در راستای توسعه و تقویت

1. Council of Europe.

موازین بین‌المللی ناظر بر مبارزه علیه تروریسم است. بدین منظور، اتحادیه اروپا همکاری‌های خویش را با سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و نشست‌های جهانی مبارزه علیه تروریسم<sup>۱</sup> و سازمان‌های منطقه‌ای و شورای اروپا، سازمان امنیت و همکاری در اروپا OSCE، اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی را شدیداً گسترش داده است (www.euc.com/eudocuments/22 feb/2003).

### ۲-۳. معضل پناهندگان و بازگشت جنگجویان خارجی

در مناطق پیرامونی اروپا که دربرگیرنده شمال آفریقا و شرق مدیترانه و یا به عبارتی حوزه جنوبی و شرقی دریای مدیترانه است حوزه استراتژیک بس مهم که جدا کننده قاره اروپا از قاره آفریقا و آسیای غربی است؛ شاهد شکل‌گیری جوامعی می‌باشیم که در بستر تاریخ نتوانسته‌اند موفقیت لازم را در زمینه به اجرایی کردن پروسه‌های بادوام توسعه پایدار کسب نمایند. از این رو اینک شاهد بروز اختلافات فاحشی در زمینه توسعه و رفاه میان اروپا و مناطق پیرامونی می‌باشیم. همچنین بروز جنگ‌هایی مداوم و پدیده‌های طبیعی همچون خشکسالی و بی‌آبی و گسترش صحرایی موجب مهاجرت غیرقابل سکونت و زیست شدن مناطق پیرامونی اروپا شده است. همین امر بر گسترش تروریسم افزوده است.

پرسش اساسی که در این عرصه نمود بیشتری می‌یابد این نکته است که جنگجویان خارجی داعشی پس از سقوط این گروه به کدام کشورها پناه برده‌اند. بررسی برآوردها و اطلاعات تحلیلی موجود که توسط «اندیشکده مطالعات امنیتی سوفان» در نیویورک نشان می‌دهد که به ترتیب کشورهای تونس، عربستان سعودی، روسیه، فرانسه و اردن پذیرای بیشترین تعداد داعشی‌های فراری پس از سقوط این گروه در سوریه و عراق، بوده‌اند. آماري نیز در این رابطه ارایه گردیده است که عبارت است از: تونس: ۸۰۰ داعشی - عربستان: ۷۶۰ داعشی - روسیه: ۴۰۰ داعشی - فرانسه: ۲۷۱ داعشی - اردن: ۲۵۰ داعشی. طبق این گزارش در مجموع ۴۰ هزار عنصر خارجی تحت فرمان داعش بوده‌اند و از این رقم، پس از سقوط داعش، حدود ۵۶۰۰ تروریست باقی‌مانده به ۳۳ کشور فرار کرده و یا به عبارتی بازگشته‌اند. در بخش دیگری از گزارش این اندیشکده به تعداد کودکان نابالغی که از کشورهای غرب اروپا به مناطق تحت کنترل داعش آورده شده بودند، اشاره شده است.

1. Global Antiterrorism Forum.

بر این اساس پرشمارترین این کودکان متعلق به کشور فرانسه با ۴۶۰ کودک می‌باشد. پس از فرانسه کشورهای بلژیک با ۱۱۸ کودک، هلند با ۹۰ کودک، آلمان با ۵۶ کودک، بریتانیا با ۵۰ کودک، سوئد با ۴۵ کودک و اتریش با ۴۰ کودک، قرار دارند.

### سه. زمینه‌های همکاری اروپا و ایران در مقابله با تروریسم در منطقه

#### ۱-۳. مشارکت اروپا با ایران در مسایل متشابه صلح منطقه‌ای

همانگونه که پیش‌ازاین اشاره شد؛ اتحادیه اروپا راهبرد نوین مبتنی بر برخورد و مبارزه با تروریسم به‌ویژه در قبال گروه جنگجویان خارجی را به‌عنوان چارچوبی اصلی برای بازتعریف سیاست خارجی و امنیتی مشترک آینده اروپا در زمینه بسط همکاری‌های منطقه‌ای خود به‌ویژه با ایران، ارایه داشته است. از جمله این ابتکار عمل‌ها می‌توان به توسعه تعامل متقابل در راستای دست یافتن به راه‌حلی موردپذیرش در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در قبال بحران سوریه و اخیراً نیز پیگیری راه‌حلی به‌منظور فایق آمدن بر بحران یمن، اشاره داشت (مشیرزاده، ۱۳۹۲). بهترین نمود یک چنین راهبردی پیگیری اتحادیه اروپا در قبال روابط خویش با ایران است که معطوف به ادغام و مشارکت دادن ایران در قالب همکاری‌های بین‌المللی در پرتو نقش مثبت و سازنده است که این امر از سوی اتحادیه اروپا بر اساس توافق‌نامه هسته‌ای (برجام) و التزام به حفظ و صیانت از این تفاهم‌نامه بین‌المللی در جهت مقاومت و مقابله با فشارهای ترامپ و تیم وی، بوده است.

اما ریشه‌های شکل‌گیری راهبرد اتحادیه اروپا نسبت به ایران چیست؟ راهبرد جهانی سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا بر پنج ارزش اصلی مبتنی است که عبارتند از: صلح، امنیت، شکوفایی و رونق، دموکراسی و قوانین. این ارزش‌ها می‌توانند بر اساس دلایل گوناگون اشاره شده در ذیل، به نقش ایران در سطح منطقه خاورمیانه و در سطح جهانی تسری یابند.

نخست، سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا می‌بایست امنیت کشورهای عضو این اتحادیه را در قبال تهدیداتی همچون تروریسم و امنیت انرژی افزایش بخشد. از این‌رو، نقش ایران در تامین امنیت انرژی اتحادیه اروپا، مبارزه با تروریسم و جنگ علیه داعش و دیگر گروه‌های افراطی به‌ویژه گروه‌های افراطی سلفی - وهابی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. دوم، سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا بر آن است تا قدرت ترمیم‌پذیری دولتها و جوامع را در شرق تا



امتداد آسیای مرکزی از یکسو و آفریقای مرکزی از سوی دیگر تقویت کند و دگرباره برای این دولتها ثبات ایجاد نماید. این امر به معنای تمرکز ویژه اتحادیه اروپا بر افزایش قدرت ترمیم‌پذیری جوامع در حال گزار است. در این ارتباط نیز نقش ایران در مدیریت موج‌های مهاجرت از افغانستان، پاکستان، بنگلادش، عراق و سوریه و نیز تاثیر آن بر قدرت ترمیم‌پذیری دولتهای لبنان، عراق، سوریه و افغانستان بسیار با اهمیت است (خالوزاده، ۱۳۸۲).

در این راستا، سندی که توسط پارلمان اتحادیه اروپا درباره روابط این اتحادیه با جمهوری اسلامی ایران منتشر گردید بدین مسئله اشاره دارد که ایران یک کشور قوی در منطقه و برخوردار از ذخایر عظیم نفتی و گازی و شریکی مهم جهت اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. بر این مبنا، نمی‌توان موقعیت استراتژیک ایران را در منطقه نادیده انگاشت. همچنین، در سند اخیر سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا به نقش ایران در این خصوص اشاره گردیده است. به‌ویژه آنکه، در آن بر لزوم اتخاذ رهیافتی جامع مبتنی بر حل مناقشات و بحران‌هایی که مستلزم مشارکت منسجم و کارآمد اروپا، کنشگران بین‌المللی و منطقه‌ای باشد، تاکید گردیده است. در این ارتباط، می‌توان نقش مهم ایران را در تسهیل حل بحران‌های سوریه و عراق مشاهده نمود.

سوم، طبق سند اخیر سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا، این اتحادیه بر آن است تا از «نظم‌های منطقه‌ای»<sup>۱</sup> موجود در سراسر جهان حمایت نماید. در این زمینه نیز نقش ایران بارز و مهم می‌باشد. امروزه، شرایط به‌گونه‌ای است که بر اساس گفته بری بوزان<sup>۲</sup>، امنیت از پایین به بالا تعریف می‌شود و این امر بدین معنا است که امنیت منطقه به امنیت نظام جهانی شکل می‌بخشد. در نتیجه، برای اتحادیه اروپا حل منازعات و ارتقای موازین مبتنی بر حقوق بشر هنجارهایی محسوب می‌گردند که در رابطه با آنها لازم است تا با کشورهای منطقه آسیای غربی و آفریقای شمالی و در مجموع با کشورهای حوزه مدیترانه، آفریقای غربی و شرقی و خاورمیانه به‌گونه‌ای ساختاری و منسجم به تعامل پرداخت تا مگر از ورای اینگونه تعاملات بر تهدیدات تروریستی و چالش‌های مربوط به نبود دموکراسی در مناطق مذکور فایق گردند. در این بخش اتحادیه اروپا ضمن هنجارگرایی

1. Regional Orders.  
2. Barry Bouzan.

عمل‌گرایانه<sup>۱</sup> یعنی حمایت و ترویج ارزش‌ها تا حد امکان، بر آن است که یک «مشارکت متوازن»<sup>۲</sup> را در منطقه خلیج فارس دنبال و همکاری دو سویه خویش با کشورهای این منطقه را ارتقا بخشد. این سند امیدوار است تا موافقت‌نامه هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ به تدریج موجبات ارتقای سطح همکاری‌ها را در حوزه‌های دیگری همچون بازرگانی، پژوهش، محیط‌زیست، انرژی، مبارزه با ترانزیت مواد مخدر، مهاجرت غیرقانونی و قاچاق انسان و دیگر موضوعات موردعلاقه طرفین، فراهم آورد. از این روی می‌توان دگرباره شاهد نمود هر چه بیشتر نقش کلیدی ایران در این عرصه به‌مثابه شاهدی واقعی بر کسب موفقیت در این زمینه بود.

سرانجام، مطابق با استراتژی اتحادیه اروپا، این اتحادیه باید روند اصلاح حکمرانی جهانی - مبتنی بر هنجارهای بین‌المللی - را به‌منظور کسب احترام و توسعه پایدار و نیز به‌منظور دستیابی به تجارت جهانی گسترش دهد. در این زمینه نیز در سند سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا اشاره گردیده است که اتحادیه اروپا یک نظم جهانی مبتنی بر قانون را که همان چندجانبه‌گرایی می‌باشد، گسترش داده است. در این خصوص، برجام به‌عنوان یک موفقیت بزرگ برای اتحادیه اروپا در ارتباط با گسترش هنجارهای بین‌المللی و منطقه‌ای و درنهایت، حفظ وضع موجود تلقی می‌گردد. باید اذعان داشت که پس از برجام و تحولات سالیان اخیر در رابطه با نظم منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، شاهد پویایی‌های هر چه بیشتری در زمینه همکاری‌های موثرتر میان ایران و اتحادیه اروپا در زمینه برقراری ثبات و امنیت منطقه‌ای داشته باشیم.

### ۳-۲. موضوع تروریسم در روابط اروپا و ایران

موضوع مبارزه با تروریسم در خاورمیانه در قالب یک تهدید ژئوپلیتیک ناشی از بروز بحران‌های اخیر منطقه‌ای نقطه عطف جدیدی در روابط اروپا با ایران است. البته از گذشته، کشورهای اروپایی نگاهی انتقادی به موضع ایران در حمایت از گروه‌های سیاسی و جنبش‌های اسلامی همچون حماس، حزب‌الله و غیره در منطقه دارند که از نظر برخی از کشورهای اروپایی گروه‌های تروریستی محسوب می‌شوند.

یکی از نمونه‌های همکاری‌های مثبت و ژئوپلیتیک صورت پذیرفته بین اروپا و ایران در زمینه

1. Principled Pragmatism.  
2. Balanced Engagement.

تبادل اطلاعات، همیاری و همکاری و رایزنی دو طرف با «استفان دی میستورا»<sup>۱</sup>، فرستاده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در رابطه با بحران سوریه است. این همکاری مبتنی بر پشتیبانی از ابتکار عمل «مذاکرات ژنو» است که تمرکز خویش را بر بسط و تعمیق گفتمان سازنده در راستای برقراری صلح و نهایتاً فایق آمدن بر تخاصمات میان دولت بشار اسد و گروه‌های اپوزیسیون سوریه، قرار داده است. این ابتکار عمل مبتنی بر گفتمان مشارکت و همکاری سازنده طرف‌های درگیر و کشورهای ذینفع همچون ایران، روسیه و ترکیه نیز توجه خاصی داشته است و از این رو تاکنون ثمرات مثبتی را به همراه داشته است. البته این خود علاوه بر نشست‌های دوره‌ای «آستانه»<sup>۲</sup> و اخیراً «سوچی»<sup>۳</sup> و ملاقات سران سه کشور ایران، روسیه و ترکیه صورت پذیرفته است.

### ۲-۳. همکاری اتحادیه اروپا با ایران در موضوع «برجام»: گامی در راستای مبارزه با تروریسم

یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز جهت پرونده هسته‌ای ایران تحت عنوان موافقت‌نامه هسته‌ای ایران «برجام»، خود به مفهوم تعمیق همکاری‌های دوسویه میان ایران و اتحادیه اروپا در زمینه‌های حساسی همچون امنیت اجتماعی، به‌ویژه در قبال معضلاتی همچون نحوه مقابله موثر و کارآمد با گروه‌های تروریستی و پایان بخشیدن به بحران‌های اجتماعی و سیاسی در سوریه و عراق صورت پذیرفته است. در این عرصه نکته حایز اهمیت، همانا دست یافتن به نقطه اتکایی قابل‌پذیرش جهت طرفین بر اساس درک متقابل در قبال منافع ملی و نیازهای امنیتی دو طرف و نیز پرهیز از تحمیل خواسته‌های یک طرف بر طرف دیگر است. اتحادیه اروپا با تصویب و پیگیری سیاستی مستقل بر اساس منافع ملی حوزه نفوذ خود ضمن اجتناب از پیروی بدون قید و شرط از سیاست‌های ایالات‌متحده آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران است. آنچه پس از خروج یک‌سویه ایالات‌متحده آمریکا از برجام به‌خوبی نمود یافته، اولویت‌های اساسی این اتحادیه همچون مقابله با تروریسم، حفظ امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری و تامین امنیت انرژی اتحادیه اروپا و مقابله با امواج مهاجرتی است. این امر با توجه ویژه بر ممانعت شدید از احتمال رخنه عناصر تروریستی در پوشش پناهندگان و مهاجرین به کشورهای عضو اتحادیه. به‌ویژه مسدود نمودن امکان بازگشت عناصر جهادی دارای شهروندی برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به کشورهای مبدا خویش در

1. Stefan De Mistura.
2. Astana.
3. Suchi.

اروپا می‌باشد (Cesaretti, 2005).

از سوی دیگر ایران نیز از ورای تلاش به‌منظور ارتقای سطح همکاری‌های خود با اتحادیه اروپا در رابطه با موارد پیش گفته به‌ویژه در زمینه تامین امنیت منطقه‌ای و مبارزه پیگیر با سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی اقدامات مقتضی را به‌ویژه در عرصه تبادل اطلاعات پیرامون گروه‌ها و عناصر تروریستی با اتحادیه اروپا مبذول داشته است. چه آنکه هر دو کنشگر در بسیاری از مناطق حوزه مدیترانه شرقی و جنوبی مواجه با تهدیدات مشترکی می‌باشند که نیازمند برخوردی هماهنگ و منسجم از سوی کشورهای ذینفع را طلب می‌کند.

لازم به یادآوری است که اتحادیه اروپا ضمن مقاومت در برابر فشارهای ایالات‌متحده آمریکا مبنی بر دوری جستن و قطع همکاری‌های تجاری، اقتصادی و بانکی خویش با ایران، کماکان بر وفاداری خویش در قبال تفاهم‌نامه برجام تاکید ورزیده و تا حد امکان از طریق ابتکار عمل‌های متعدد چندی تلاش مضاعفی مبذول داشته است تا از بار فشارهای تحریمی موردنظر آمریکا برعلیه ایران کاسته شود و از حضور شرکت‌ها و موسسات صنعتی و تولیدی اتحادیه اروپا در بازار ایران صیانت به عمل آورد. بهترین نمونه از این دست ابتکار عمل‌های راهگشا، معرفی اخیر بسته مالی و حمایتی کمیسیون اروپا ناظر بر موارد فوق می‌باشد که به‌خوبی نشان از اراده این اتحادیه دال بر مقاومت در برابر خواست‌های آمریکا دارد.

در صورتی که ایران و اتحادیه اروپا بهره‌برداری مناسب از فرصت فراهم آمده را با توجه به برهه زمانی حساس کنونی و فشارهای روزافزون ترامپ و اعضای دولت وی که از سوی برخی از کشورهای منطقه‌ای همچون عربستان سعودی، امارات متحده عربی و اسرائیل نیز همراهی می‌گردند، از کف دهند آنگاه منطقه شاهد بروز مسایل حاد نوینی همچون تهدیدات تروریستی در منطقه خاورمیانه و اروپا خواهد گردید. این موضوع، خود می‌تواند عملاً تبدیل به تهدیدات جدی نوین و بی‌ثبات کننده‌ای نه‌تنها در منطقه آسیای غربی و شمال آفریقا، بل در بسیاری دیگر نقاط بحران‌خیز جهان گردد. دو کنشگر مذکور به‌منظور اجتناب از بروز این شرایط نامساعد می‌باید به سمت کاهش اثرات تهدیدها، محدود کردن و خنثی‌سازی برنامه‌ریزی‌های تروریستی به‌ویژه در عرصه تبلیغات به‌منظور جلب نسل نوینی از عناصر ناراضی تندرو از سوی گروه‌های سلفی و تکفیری گردند و درنهایت مبارزه عملی با تهدیدات منطقه‌ای روی آورند. آنها باید از طریق تبادل اطلاعات کارآمد به‌سوی گسترش

همکاری‌های امنیتی تعمیق یافته و به‌روز میان دو طرف حرکت کنند (Franssen, 2008).

## نتیجه‌گیری

اتحادیه اروپا به دلیل همجوار بودن با منطقه ناامن خاورمیانه و بی‌ثباتی و بحران پدید آمده در این منطقه، خود را به‌شدت با تهدیدات گوناگون بی‌ثبات کننده، مواجه می‌بیند. از این‌روی، پیگیری توسعه و تعمیق روابط خود در عرصه‌های امنیتی و مبارزه مشترک با پدیده تروریسم میان اتحادیه اروپا و کشورهای این منطقه به‌ویژه با ایران در مقام یک قدرت منطقه‌ای می‌باشد. مشارکتی از این دست به‌مراتب نتایج مطلوب و مقبول‌تری را در راستای صیانت از ثبات و امنیت اروپا به همراه خواهد داشت تا آنکه خود مستقیماً و راساً جهت فائق آمدن بر بحران نشأت‌گرفته از پدیده‌ای تروریستی مبتنی بر اسلام رادیکال وارد عمل گردد. بروز واقعه تروریستی یازدهم سپتامبر برداشتهای اتحادیه اروپا از تهدید تروریسم را تغییر داد و سبب شد تا اروپا تبعات بی‌ثبات ساز تروریسم را در عرصه فرا منطقه‌ای مورد توجه ویژه قرار دهد و بنابراین گام‌های استواری را در راستای تقویت اتحاد فرآتلانتیکی و پیمان نظامی ناتو بردارد.

لیکن در پی گذشت دو سال پس از این اقدام، بر اثر بروز اختلاف‌های عمیق میان بخش عمده‌ای از کشورهای عضو این اتحادیه و آمریکا این نوع همگرایی خارج از مرزهای اروپا دچار تزلزل گردید. اختلافات بروز یافته میان بخش بزرگی از کشورهای عضو ناتو و به تعبیری اتحادیه اروپا با ایالات‌متحده آمریکا، در آن دوره زمانی عمدتاً حول محور تلاش آمریکا جهت حمله به عراق با همراهی بریتانیا از یکسو و مقاومت دیگر کشورهای اروپایی در قبال این فشار از سوی دیگر، نمود می‌بافت. در سالیان اخیر نیز شاهدی بر وجود چنین تفاوت نگرشی را می‌توان در روش‌های مورد نظر کشورهای اروپایی به‌منظور تعامل با جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در رابطه با پرونده هسته‌ای در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دوران پس از حصول توافقنامه هسته‌ای یا برجام مشاهده نمود که مورد تایید شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز واقع گردیده است.

به‌طور کلی تهدیدی که بیش از همه موجبات نگرانی کشورهای اتحادیه اروپایی را فراهم آورده است، همانا تهدیدات و چالش‌هایی می‌باشند که متوجه یکپارچگی و وحدت این اتحادیه هستند. هم‌اینک اتحادیه اروپایی در برهه زمانی‌ای از شکل‌گیری خویش قرار گرفته است که هرگونه روند

متعارض در پیرامون این اتحادیه و نیز در سطح نظام بین‌المللی می‌تواند تأثیرات مخرب خود را بر روند همگرایی درونی این اتحادیه بر جای گزارد و یا آنکه روند آن را معکوس نماید. در واقع، در غیاب یک سازوکار کارآمد و بین‌المللی که از توانایی لازم و موثر به‌منظور سرکوب تروریسم برخوردار باشد، اتحادیه اروپا به‌منظور مقابله با تهدیدات برآمده از تروریسم و پیشبرد کارآمد و منسجم عملیات ضد تروریستی خود و قوام بخشیدن به امنیت و ثبات، تلاش وافر را در راستای توسعه و گسترش همکاری‌های بین‌المللی خود با کشورهای هم‌چون ایران به عمل آورده و می‌آورد. نهایتاً اینکه در چالش‌های راهبردی-امنیتی که میان تهران و بروکسل وجود دارد، بحث تروریسم از درجه تاثیرگذاری بس بالایی برخوردار شده است. همانگونه که پیش از این بدان اشاره رفت از منظر اتحادیه اروپا، تروریسم از عمده‌ترین پدیده‌های چالش‌زا برای ثبات و امنیت بین‌المللی، محسوب می‌گردد؛ بنابراین هرگونه اقدامی که منجر به تشویق و تقویت این پدیده شود در تعارض با صلح جهانی قرار دارد. از این‌رو، اتحادیه اروپا در قالب مذاکرات بلندمدتی که با عنوان گفتگوهای انتقادی و گفتگوهای سازنده از دهه آخر قرن بیستم با ایران داشته است، طیف گسترده‌ای از مسایل و موضوعات دوجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی را در رابطه با این پدیده و لذا نوع همکاری دوسویه‌ای را که می‌توان شاهد شکل‌گرفتن آن میان دو طرف بود مورد توجه ویژه قرار داده است و بر همین اساس موضوعاتی همچون تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی در زمره مهمترین موضوعات مطرح در جریان مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا بوده‌اند.

## فهرست منابع:

۱. برزگر، کیهان (۱۳۹۶)، «اضطراب ژئوپلیتیک و شکل‌گیری برج‌م»، روزنامه دنیای اقتصاد، دوشنبه ۲۸ اسفند ماه.
۲. بیت‌جم، رامسین (۱۳۹۵)، «راهبرد ضد تروریسم اتحادیه اروپا، تصمیمات اتخاذ‌گرفته از سوی شورای اروپا»، مقاله‌ارایه‌شده در سمینار سازمان‌های بین‌المللی.
۳. خالوزاده، سعید (۱۳۸۲)، ارزیابی تحلیلی روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپایی، کتاب اروپا (۲)، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۴. خیبری، کابک، (۱۳۸۵)، «استراتژی اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم»، گزارش راهبردی معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل، مرکز تحقیقات استراتژیک مصلحت‌نظام، شماره ۸.
۵. مشیرزاده، حمیرا و فاطمه صلواتی، (۱۳۹۲)، «جهان اسلام، دیگری بنیادگرا و اسطوره آرمان آمریکایی در سیاست خارجی آمریکا» فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره ۱.
۶. گفتگوی اختصاصی نویسنده مقاله با سفیر ایتالیا در تهران، جناب آقای مائورو کونچاتوری، مورخ ۲۵ تیرماه ۱۳۹۷.

7. Cesaretti, Robert. (2005), "Combating Terrorism in the Mediterranean", NATO.
8. Exclusive interview of the author of present article on 22nd of June 2018 with H.E.Mauro Conciatori, Ambassador of Italy to Tehran.
9. Franssen, Herman. (2008), A Review of U.S. Unilateralism Sanctions against Iran, [http://:www.Irantrade.Org/Update/News/Aspid-2448](http://www.Irantrade.Org/Update/News/Aspid-2448).
10. Intervention of Federica Mogherini on December 2017 at the opening ceremony of MED 2017 Assembly at Rome translated in to Persian by the author of the present article.
11. Rumelili, Bahar (2004), "Constructing identity and relating to difference: understanding the EU's mode of differentiation, Review of International Studies, N.30.
12. Snyder, R. and G.D. Pruitt, (1969), Theory and Research on the Causes of War, New Jersey, Arentice-Hall.
13. [www.euc.com/eudocuments/22\\_feb/2003](http://www.euc.com/eudocuments/22_feb/2003).